



A Comparative Study of the Role of Literary Preferences and Context of Readings in Tabarsi's Majma al-Bayan and Farra's Ma'ani al-Quran with an Explanation of the Exegetic Effect in Related Verses

Hadi Hujjat* | Muhammad Rezā Gharibi**

Received: 2022/4/15 | Correction: 2022/6/5 | Accepted: 2022/9/28 | Published: 2022/12/21

Abstract

Among the books of Quranic readings and Quranic sciences and exegesis, there are different indicators to determine the preference of popular readings over each other; indicators that the scholars of this field have always used in reasoning throughout the history of this science. One of the most important indicators is that the readings are in Arabic. Adhering to the common laws of Arabic usage and syntax, eloquence and rhetoric are counted as some of the criteria for deciding Arabiness.

When counting the aspects of the preference of readings over the Hafs Reading, the aspect that is most statistically preferred is the one related to literary preference based on indisputable Arabic laws, in the sense that in numerous instances, another reading in terms of Arabiness is preferred over the Hafs reading. Similarly, a study of the context of verses in some instances expresses the preference of other readings over the Hafs one. These preferences have also led to differences in the exegetical views of interpreters. The focus of this article is to study the aspects of preference and analysis of some of the instances based on the views of Tabarsi and Farra in comparison to other Sunni and Shiite exegesists. Some of the results of this research include: resolving some of the problems in justifying the literary aspect of verses in exegesis considering other popular readings, explaining the semantic aspect more clearly in exegesis, the academic acceptance of both the Sunnis and Shias in this aspect, etc.



Keywords: readings, Hafs reading, literary preference, reading preference, context.

* Associate Prof., Quran and Hadith University (corresponding author), Tehran, Iran |
hujjat.h@qhu.ac.ir

** Ph.D. candidate, Quran and Hadith Sciences, Quran and Hadith University, Tehran, Iran |
gharib.mr@gmail.com

□ Hujjat, H, Reza Gharibi, M. (2022) A Comparative Study of the Role of Literary Preferences and Context of Readings in Tabarsi's Majma al-Bayan and Farra's Ma'ani al-Quran with an Explanation of the Exegetic Effect in Related Verses. *Comparative Interpretation Research*, 8 (6) 260-287 . Doi: 10.22091/PTT.2023.8368.2124.



بررسی تطبیقی نقش مرجحات ادبی و سیاقی قرائات در تفاسیر مجمع‌البیان طبرسی و معانی القرآن فراء با بیان اثر تفسیری در آیات مربوط

هادی حجت * | محمدرضا غریبی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۶ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

چکیده

در بین کتب قرائات و علوم قرآن و تفاسیر، شاخص‌های مختلفی در تشخیص رجحان قرائات‌های مشهور بر یکدیگر وجود دارد؛ شاخص‌هایی که عالمان این فن در طول تاریخ این علم همواره بدان‌ها استدلال کرده‌اند. عربیت قرائت، از مهم‌ترین این شاخص‌هاست. همراهی با قواعد مشهور صرف و نحو، افصح بودن و بلاغت که ذیل مباحث ادبی قرار می‌گیرد، از ملاک‌های تشخیص عربیت به حساب می‌آید.



در شمارش وجود رجحان قرائات بر قرائت حفص، بیش‌ترین وجه از حیث آماری، متعلق به رجحان ادبی بر اساس قواعد مسلم عربی است؛ به این معنا که در موارد متعددی، قرائت دیگری نسبت به حفص از حیث عربیت، رجحان دارد. همچنین بررسی سیاق آیات نیز در مواردی، یانگر رجحان قرائات دیگر بر قرائت حفص است. این ترجیحات، سبب تفاوت در انتظار تفسیری مفسران نیز شده است. بررسی این وجه رجحان و تحلیل برخی از موارد بر اساس دیدگاه امین‌الاسلام طبرسی و فراء با نگاهی به برخی دیگر از مفسران فرقین، محور این مقاله است. حل برخی معضلات در توجیه وجه ادبی آیات در تفسیر با توجه به قرائات مشهور دیگر، بیان وجه معنایی روشن‌تر در تفسیر، همراهی علمی فرقین در این جهت و... از نتایج این تحقیق است.

واژگان کلیدی: قرائات، قرائت حفص، رجحان ادبی، رجحان قرائت، سیاق.

* دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث، (نویسنده مسئول) | hojjat.h@qhu.ac.ir

** دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث | gharib.mr@gmail.com

حجت، هادی؛ غریبی، محمدرضا. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی نقش مرجحات ادبی و سیاقی قرائات در تفاسیر

مجمع‌البیان طبرسی و معانی القرآن فراء با بیان اثر تفسیری در آیات مربوط، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، ۸، ۲۸۷-۲۸۷.

Doi: 10.22091/PTT.2023.8368.2124.۲۶۰

مقدمه

پس از پذیرش این پیش‌فرض که هیچ‌کدام از قرائات متواتر نیستند (نک. مؤدب و محمدی فرد، ۱۳۹۳، شماره ۲؛ کاظمی، ۱۳۹۳، شماره ۴؛ مؤدب و سجادی، ۱۳۹۸، شماره ۱۳) و هیچ‌کدام در طول تاریخ، مزیت ویژه‌ای نداشته‌اند که آن مزیت به ترجیح کامل آن بر قرائت دیگری بینجامد، می‌توان به بررسی ملاکات رجحان قرائات پرداخت و در مقام بیان اولویت، قرائتی را به عنوان قرائت برتر انتخاب نمود که به شاخص‌ها نزدیک‌تر است. البته بررسی اجتهادی قرائات، نیازمند وجود شاخص‌هایی است که بتواند در مقام سنجش و محک، بیانگر وجه برتری و امتیاز یک قرائت باشد.

با توجه به شهرت قرائت حفص از عاصم در دوره کنونی، تمرکز مباحث این پژوهش بر استخراج و تبیین وجوه رجحان - هرچند اندک - سایر قرائات بر این قرائت است؛ البته در خلال مباحث، گاه به قرائات غیر حفص نیز اشاره شده است. شاخص‌های کلی پذیرش قرائت در مورد همه قرائت‌های رایج و مشهور مدنظر قدماء بوده است؛ شاخص‌هایی نظری فصاحت، رعایت عربیت، قواعد تجویدی و... که عمدتاً ناظر به رجحان ادبی قرائت هستند.

در این مقاله، با بررسی آیاتی که صرفاً مشتمل بر وجهی از وجوه رجحان ادبی و سیاقی هستند، به انتخاب قرائت اصح یا افصح خواهیم پرداخت. مراد از رجحان ادبی، هرگونه امتیازی است که از حیث دستور زبان عربی اعم از صرف، نحو، فصاحت و بلاغت در کلام وجود دارد و غالب اهل فن به این امتیاز اذعان نموده‌اند. رجحان سیاقی هم عبارت از قرائتی است که با سیاق آیات دیگر کتاب الله هماهنگ‌تر است.

به منظور استخراج موارد مذکور، مجمع‌البيان امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ ق) و معانی القرآن فراء (م ۲۰۷ ق) از مفسران فریقین که به موضوع قرائات در تفاسیر عنايت داشته‌اند، مبنای تحقیق و بررسی قرار گرفت. البته برخی از کتب دیگر تفسیری اهل سنت نظری آثار فراء (م ۲۰۷ ق)، طبری (م ۳۱۰ ق)، نحاس (م ۲۳۸ ق) و فخرالدین رازی (م ۶۰۶ ق) هم مطالعه و به آن‌ها رجوع شد. احصای موارد مهم از اختلاف قرائات، این نتیجه را به همراه دارد که ترجیح ادبی قرائات بر قرائت حفص، از حیث آماری بر سایر مرجحات نظری فقهی و کلامی برتری تقریبی دو برابری دارد.

روش تحقیق چنین است که ابتدا آیه را مطرح کرده، سپس به اختلاف قرائت با ذکر قاری می‌پردازیم و در ادامه، به بررسی اختلاف و بیان مرجحات مختلف بر اساس دیدگاه طبرسی و مقایسه با دیدگاه برخی عالمان اهل سنت در قرائت خصوصاً فراء خواهیم پرداخت؛ همچنین به مواردی پرداخته‌ایم که این اختلاف قرائات در تفسیر آیه نقش داشته است.

آيات

ثُمَّ أَنْتَ هُوَ لِإِنْتَلُونَ أَنْفَسَكُمْ وَ تُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْ بَيْنِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ يَأْلِمُونَ وَ الْخُدْوَانِ وَ إِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارِيٌّ تُقَادُوهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ... (بقره: ۸۵).

طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۵۲)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

–«تَظَاهَرُونَ» (با تخفیف ظاء): قرائت قاریان کوفه؛

–«تَظَاهَرُونَ» (با تشدید ظاء): قرائت دیگر قاریان؛

–«أُسَارِيٌّ تُقَادُوهُمْ» (با الف در هر دو کلمه): قرائت نافع، ابو جعفر، عاصم، کسایی و
يعقوب؛

–«أَسَرِيٌّ تَقْدُوهُمْ» (بدون الف و فتح تاء): قرائت حمزه؛

–«أُسَارِيٌّ تَقْدُوهُمْ» قرائت ابن کثیر، ابن عامر و ابو عمرو.

طبرسی به نقل از ابوعلی فارسی، قرائت «أَسَرِيٌّ تُقَادُوهُمْ» را اختیار می‌کند؛ یعنی در کلمه اول این عبارت، قرائت حمزه را ترجیح داده و در کلمه دوم، قرائت حفص به روایت از عاصم را پذیرفه است. وی می‌گوید:

«دلیل قرائت کسی که «أَسَرِي» می‌خواند این است که این کلمه جمع «اسیر»، بر وزن

فعیل است، به معنای اسم مفعول، مانند قتیل به معنای مقتول و قتلی، جریح و جرحي نیز این گونه هستند. لذا این قرائت، از قرائت «أُسَارِي» بهتر است».

طبرسی این آیه را طبق قرائت غیر عاصم تفسیر نموده است. طبری نیز در این ترجیح، با طبرسی همنظر است و این قرائت را ترجیح می‌دهد. وی می‌گوید:

«قرائتی که به صواب نزدیک‌تر است، قرائت *و إن يأتوكم أسرى* است، زیرا وزن "فعالی" در جمع "فعال" در زبان عرب مشهور نیست». فراء متعرض اختلاف این آیه نشده است. این اختلاف قرائت در منابع دیگری به شرح ذیل آمده است:

اخفشن، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۱۹۵؛ ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۶۳؛ ابوذر عه، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۰۴؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۱۳۱؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۱۶؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۷ و ۸۴؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۶۵؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۱۶۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۴؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۶۱؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۲، ص ۴۰؛ مبیدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۲۶۲؛ زمخشیری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۶۰؛ قاضی عبد الفتاح، ۱۴۲۶ ق، ص ۳۴؛ عکبری، ۱۴۳۱ ق، ج ۱، ص ۸۷؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۱۷۸.

۱. *أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الدِّينِ خَلَوَا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهُمُ الْبَاسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَرُلُوا حَتَّىٰ تُقُولُوا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَكْلَمُ النَّاسِ إِنَّمَا يَأْتِكُمْ مَمْنَعُهُ مَنْ تَنْصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّمَا يَنْصُرُ اللَّهُ قَرِيبُهُ.* (بقره/۲۱۴).

شیخ طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ۱، ص ۳۰۷) اختلاف قرائت این آیه را

چنین بیان می‌کند:

- «حتَّیٰ يَقُولُ الرَّسُولُ» (به رفع یقول): قرائت مجاهد و نافع. در این قرائت فعل بعد از «حتَّیٰ» برای زمان حال است که به دو شکل واقع می‌شود:

الف) سبب در زمان گذشته واقع شده و مسبب (فعل دوم) هنوز زمان آن نگذشته است

مانند «مَرَضَ حَتَّیٰ لَا يَرْجُونَهُ»؛

ب) زمان هر دو فعل گذشته است مانند «سَرَّتْ حَتَّیٰ أَدْخَلُهَا». در این مثال دخول متصل به سیر است بدون این که فاصله بین آن‌ها باشد. لذا این قرائت بنا بر «حال محکیه» است. حال

بر حسب زمان به سه قسم تقسیم می‌شود:

- مقارنه: برای زمان حال؛

- مقدره: برای دلالت بر زمان استقبال؛

- محکیه: برای دلالت بر زمان ماضی مانند «جاءَ زَيْدُ أَمْسِ رَاكِبًا». (ابن هشام، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۱)

در زبان عربی هنگامی که فعلی در زمان گذشته اتفاق می‌افتد، حال محسوب نمی‌شود و فعل مرفوع شده و «حتی» از حروف استیناف است.

- «**حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ**» (به نصب یقول): قرائت دیگر قاریان.

«حتی» در دو صورت فعل بعد از خود را منصوب می‌کند:

الف) به معنای "إلى" باشد؛ همان‌گونه که در آیه فوق به همین معناست.

ب) به معنای "کی" باشد مانند «أَسْلَمْتُ حَتَّىٰ أَدْخُلَ الْجَنَّةَ». تقدیر عبارت «کی ادخل الجنّة». به این معنا که اسلام واقع شده ولی دخول در بهشت هنوز واقع نشده است. (نحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۰۷)؛ بنابراین اگر فعل بعد از «حتی» منصوب باشد، «حتی» جاره بوده و "آن" ناصبه را در تقدیر دارد. "آن" مقدره و فعل منصوب بعده آن در محل جر هستند.

طبرسی وجه رفع را برمی‌گزیند: «**حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ**» و معتقد است این وجه با معنای آیه هماهنگی بیشتری دارد؛ زیرا معنای «**زُلْزِلَا**» مربوط به زمان گذشته است تا این که رسول (ص) در زمان حال فرمود: «**مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ**» و این حکایت حال می‌باشد مانند «**فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَلَاهُنَّ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ...**» (قصص ۱۵)؛ بنابراین طبرسی در این آیه، قرائت نافع را اختیار نموده است؛ اما عبارت فراء حاکی از این است که وی قرائت رفع را مرجوح می‌داند:

«وَإِنَّمَا رَفَعَ مُجَاهِدٌ لِأَنَّ فَعْلَ يَحْسِنُ فِي مِثْلِهِ مِنَ الْكَلَامِ كَتُولَكَ: زُلْزِلَا حَتَّىٰ قَالَ الرَّسُولُ؛ وَقَدْ كَانَ الْكَسَائِيُّ قَرَاً بِالرُّفْعِ دَهْرًا ثُمَّ رَجَعَ إِلَى النَّصْبِ؛ وَهِيَ فِي قِرَائَةِ عَبْدِ اللَّهِ: "وَزُلْزِلَا ثُمَّ زُلْزِلَا وَيَقُولُ الرَّسُولُ" وَهُوَ دَلِيلٌ عَلَى مَعْنَى النَّصْبِ». (فراء، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۳)

نحاس در اعراب القرآن نیز این وجه از قرائت را ترجیح داده است (نحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۰۸)؛ اما طبری در جامع البيان، وجه نصب را اختیار نموده (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۹۹)؛ بنابراین طبری معتقد است: زلزله در این آیه ترس است نه زلزله زمینی، به همین دلیل امتداد دارد.

علمای نحو (نک. عقیلی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۲-۳۴۳) می‌گویند: اگر فعل مضارع بعد از "حتی" به معنای استقبال باشد (نسبت به زمان تکلم)، فعل مضارع منصوب به آن مقدره بعد

از حتی می‌باشد؛ ولی اگر فعل مضارع بعد از حتی به معنای حال باشد مرفوع می‌شود، مانند «سرت حتی أدخلُ البلد»- اگر این سخن هنگام ورود به شهر گفته شود. ولی در عبارت *لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون*، چون فعل مضارع بعد از «حتی» به معنای استقبال است منصوب به آن مقدره می‌باشد.

به نظر می‌رسد فعل مضارع یقول در آیه موردبخت، مربوط به زمان حال باشد؛ زیرا فرمود: دچار سختی و زیان شدید گشتند و چنان پریشان و لرزان شدند تا جایی که پیامبر خدا و کسانی که به وی ایمان آوردند گفتند: *مَتَى نَصْرُ اللَّهِ*. لذا با توجه به مطالب فوق، چنین به نظر می‌آید که ترجیح طبرسی درست‌تر باشد. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

فراء، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۲؛ ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۸۱؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۳۱؛
 ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۲۳۱؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۹۹؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م،
 ص ۹۴؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۰۷؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۲۸۶؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲،
 ص ۱۹۸؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۳، ص ۱۸۴؛ مبیدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۵۶۹؛ سیوطی؛ ۱۳۱۲
 ق، ج ۴، ص ۵۴۷؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۲۹۱؛ دمیاطی، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۵۶.

۲. *مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَصْطُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ* (بقره ۲۴۵).

شيخ طبرسی در مجمع البيان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۳۴۸) اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

- «فَيُضَاعِفُهُ» (با الف و رفع فاء): قرائت ابو عمرو، نافع، حمزه و کسایی.

طبرسی به نقل از ابوعلی فارسی گوید:

«قرائت رفع دو دلیل دارد:

الف) عطف بر صله ماقبل. فراء معتقد است در «فَيُضَاعِفُه» «فاء» به معنای "الذی" است.

(فراء، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۷)

ب) بنا بر استیناف (ابتدا)؛ بنابراین تقدیر کلام چنین است: «فَهُوَ يُضَاعِفُهُ».

- «فَيُضَاعِفُهُ» (با الف و نصب فاء): قرائت عاصم.

کلام بر معنا حمل شده و تقدیر کلام چنین است: «أَيْكُون قَرْضًا؟ سِبْسٌ «فَيُضَاعِفَهُ» بِرَأْنَ حَمْلَ شَدَّهُ». در زبان عرب حمل کلام بر معنا زیاد است. (عقیلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۳) «فَيُضَعِّفُهُ» (با تشدید و رفع فاء): قرائت ابو جعفر. قرائت اخیر در منابع دیگر به ابن کثیر منسوب است. (ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۸۴؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۳۸؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۳، ص ۳۴۳)

– «فَيُضَعِّفُهُ» (با تشدید و نصب فاء): قرائت ابن عامر و یعقوب. طبرسی بر قرائات شماره ۳ و ۴ استدلالی را ذکر نمی‌کند. وی به نقل از ابوعلی فارسی، قرائت «فَيُضَاعِفُهُ» با الف و رفع فاء را ترجیح می‌دهد. به دلیل این که استفهام در آیه از فاعل "اقراض" است و پرسش از خود "اقراض" نیست (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۳۴۸). بنابراین در این آیه، قرائتی غیر از قرائت عاصم ترجیح داده شده است. طبری نیز همین قرائت را اختیار می‌کند و معتقد است که در این آیه معنای شرط و جزای شرط وجود دارد (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۳۷۲)؛ اما فراء صرفاً به بیان دو قرائت و وجه آن‌ها اشاره کرده و نسبت به رجحان داوری نموده است (فراء، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۷). این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

اخفس، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۱۵۵؛ ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۸۴؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۳۸؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۲۵۹؛ ابن حالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۹۸؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۰۷؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۳۲۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۸۵؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۶۵؛ ابوالفتوح، ج ۳، ص ۳۴۳؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۶۵۸؛ سجستانی، ۱۴۲۳ ق، ص ۹۲؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳. *لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ يَبْدُوا مَا فِي أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوا مِحَابِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَنْهِي لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* (بقره ۲۸۴).

شیخ طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۴۰۱)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

– «فَيَنْهِي... وَيُعَذِّبُ» (رفع در هر دو فعل): قرائت ابن عامر، عاصم، ابو جعفر و یعقوب.

این قرائت بنا بر قطع کلام از ماقبل خود بوده و بر دو وجه قابل تأویل است:

الف) خبر برای مبتدای محدود که در این صورت، این قرائت بر سیل استیاف است؛
یعنی «إِنْ تُبَدِّلُوا» شرط و «يُحَايِبُكُمْ» جواب شرط است و در اینجا کلام تمام است. آنگاه
کلام جدید شروع می‌شود، بنا بر این که ضمیری در تقدیر باشد؛ یعنی اصل «فَهُوَ يَقْرَئُ وَ
هُوَ يَعْذِبُ» بوده و جمله مشکل از مبتدا و خبر بر جمله فعلی عطف شده است.

ب) جمله مشکل از فعل و فاعل، بر ماقبل عطف می‌شود؛ یعنی این جمله بر محل جمله
ماقبل خود که محل آن ابتدائیت بوده، عطف خورده است.
«فَيَقْرَئُ... وَ يَعْذِبُ» (سکون در هر دو فعل): قرائت دیگر قاریان.

بنا بر تبعیت از کلام قبل است. این قرائت بیشتر به کلام عرب شباهت دارد؛ زیرا
نحویان بیشتر در پی مشابهت در کلام هستند. طرسی بعد از نقل قرائات و استدلال بر هر
یک، قرائت جزم را اختیار می‌کند. با این استدلال که این قرائت مطابق کلام عرب است. وی
گوید:

«قرائت با جزم نیکوتر است، بدینجهت که در لفظ مانند کلام ماقبل خود باشد و
این گونه مشاکلت و مشابهت در کلام عرب زیاد است». (طرسی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۴۰۱)
چنین ترجیحی از قول ابوعلی در کتاب الحجۃ نیز آمده است. سیبویه، قیسی و ابن کثیر
نیز قرائت با جزم را اختیار نموده، دلیل آن را اتصال کلام با قبل خود و اتفاق اکثر قراء بر این
قرائت می‌دانند (سیبویه، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲۳؛ مکی قیسی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۳۲۳؛ ابن کثیر،
۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۴۰). این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ق، ص ۱۹۵؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸ق، ص ۱۵۲؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ق،
ج ۲، ص ۳۳۷؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴م، ص ۹۴؛ نحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۴۰، طوسی،
بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸۱؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ق، ج ۴، ص ۱۵۰؛ میدی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۷۷۸
زمخشی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۰؛ سجستانی، ۱۴۲۳ق، ص ۸۵
۴. *فَإِنْ حَاجُولَكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَقُلْ لِلَّذِينَ أَتُّوْا الْكِتَابَ وَالْأُمَّيَّنَ
آسْلَمْتُ... (آل عمران/۲۰).

شیخ طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۴۲۲)، اختلاف قرائت این

آیه را چنین بیان می‌کند:

—«مَنِ اتَّبَعَنِ» (با حذف یاء): قرائت عاصم، کسانی و حمزه؛

—«مَنِ اتَّبَعْنِی» (با اثبات یاء): قرائت دیگر قاریان.

طبرسی قرائت «مَنِ اتَّبَعَنِ» (با اثبات یاء) را اختیار می‌کند و معتقد است: باوجود این که حذف یاء خوب است حذف نکردن آن بهتر است که در این صورت "یاء" به صورت مفتوح یا ساکن، قابل قرائت است (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۴۲۲)؛ بنابراین در این آیه، قرائتی غیر از قرائت عاصم ترجیح داده شد. فراء معتقد است، عرب «یاء» را در آخر برخی از کلمات به حذف یا اثبات می‌خواند و کسره، دلالت بر حذف «یاء» دارد. این حذف در باب ندا و منادا بیش‌تر بوده، ولی در غیر ندا نیز حذف «یاء» از اواخر کلمات وجود دارد، مانند آیه *فَبَشَّرَنَ عِبَادَ الَّذِينَ...* (زمر/۱۷) یا آیه *رَبَّنَا وَقَبَّلْ دُعَاءِ* (ابراهیم/۴۰) و این حذف بیش‌تر در کلماتی است که قبل از یاء «نون» نباشد (فراء، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۲۰۱). این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

فراء، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۰؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۴۸؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۳۸۹؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۴، ص ۲۳۷؛ زمخشri، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۳۰؛ ابو‌زرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۵۸؛ قاضی، ۱۴۲۶ ق، ص ۵۹؛ دمیاطی، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۷۲؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۳۷۴.

۵. *وَلَكُلٌ جَعَلْنَا مَوَالِيٍ مَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدْتُ أَيْمَانُكُمْ فَاتَّوْهُمْ نَصِيبُهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا* (نساء/۳۳).

شیخ طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۱) اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

—«عَقَدْتُ» (بدون الف): قرائت اهل کوفه؛

—«عَاقَدْتَ» (با الف): قرائت دیگر قاریان.

طبرسی از ابوعلی فارسی نقل می‌کند که عائد صله بهتر است ضمیر نصبی باشد و تقدیر چنین است: «والذین عاقدتہم أیمانکم حلفهم» که طبق آن «ایمان» در لفظ همان معاقده است و در معنا حالفین است که صاحبان قسم هستند. معنای آیه چنین می‌شود: «والذین عاقدت حلفهم ایمانکم». سپس مضاف حذف شده و مضاف‌الیه جانشین آن گردیده است. لذا قرائت «عاقدت» با این معنا سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا هر یک از هم‌پیمانان سوگندی برای آن پیمان دارد و کسی که «عقدت ایمانکم» قرائت می‌کند، معنای آن «عقدت حلفهم ایمانکم» است و کلمه «حلف» که مضاف است حذف شده و مضاف‌الیه جانشین آن گردیده است. کسانی که «عاقدت» می‌خوانند، کلام را بر لفظ «ایمان» حمل نموده‌اند، زیرا فعل به صاحبان قسم اسناد نشده بلکه به سوگندها یا معاهده‌ها اسناد داده می‌شود (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۱)؛ بنابراین طبرسی در مقام انتخاب قرائتی غیر از قرائت عاصم است و در معنا و تفسیر آیه نیز همین قرائت را انتخاب نموده است. (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۲)

این ترجیح را نحاس نیز دارد. وی می‌گوید:

«حمزه» «والذین عقدت ایمانکم» قرائت نموده که این قرائت بعیدی است، زیرا پیمان فقط میان دو نفر به بالا انجام می‌شود و قرائت حمزه مستلزم نادیده گرفتن قواعد زبان عرب است. (تحفه نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۲۱۱)

فخر الدین رازی نیز همین قرائت را ترجیح داده، گوید:

«اختیار، قرائت «عاقدت» است؛ زیرا باب مفاعله، بر وقوع سوگند از دو گروه دلالت دارد». (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص ۶۹)

چنین به نظر می‌رسد که چون «عاقدت» باب مفاعله و این باب برای بیان مشارکت است و در این آیه نیز برای هر یک از دو طرف، فَسَمِی است، لذا قرائت «عاقدت» (قرائت غیر عاصم) که ترجیح طبرسی می‌باشد، درست‌تر است. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده، ولی فراء متعرض اختلاف قرائت در این آیه نشده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۲۳۳؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۰۱؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۳۵؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۳۴؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۱۲۳؛ نحاس،

۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۲۱۱؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸۱؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۷۳؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۵، ص ۳۴۶؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۷۷۸؛ کلینی، ۱۳۹۱ ق، ص ۸۲؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۲۶؛ ابن جزری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹.

۶. *وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِي رَعْنَانَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرٌ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ* (اعراف/۱۱۳).

شیخ طبرسی در مجمع‌البيان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۶۰)، اختلاف قرائت این

آیه را چنین بیان می‌کند:

—«إِنَّ لَنَا لَأَجْرٌ» (با یک همزه بنا بر خبر): قرائت قاریان حجاز و حفص؛

—«إِنَّ لَنَا لَأَجْرٌ» (با دو همزه مخفف): قرائت ابن عامر و اهل کوفه به جز حفص؛

—«انَّ لَنَا لَأَجْرٌ» (با همزه ممدوده): قرائت ابو عمرو. یعقوب نیز به همین صورت قرائت می‌کند مگر این که همزه را مد نمی‌دهد.

طبرسی فقط درباره قرائت دوم استدلال نموده، به نقل از ابوعلی می‌گوید:

«دلیل بر استفهام در این آیه، قرائت در آیه *فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِرَعْنَانَ إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ* (شعراء/۴۱) است که تمامی قاریان بر استفهام در آن آیه اجماع نموده‌اند.»

طبرسی به نقل از ابوعلی فارسی می‌گوید:

«استفهام در این آیه مناسب‌تر است؛ زیرا این افراد از پاداشی که قرار است به آن‌ها تعلق گیرد سؤال می‌نمایند و نمی‌دانند آیا پاداشی به آن‌ها تعلق می‌گیرد یا خیر؟» (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۶۰)

شاید به همین دلیل است که برخی در توجیه قرائت با یک همزه برآمده، آن را بنا بر استفهامی مقدر می‌دانند و تقدیر کلام چنین می‌شود: اگر بر موسی غلبه کنیم آیا پاداشی به ما خواهی داد؟ بنابراین، در این آیه، روایت ابویکر شعبه بن عیاش بر روایت حفص از قرائت عاصم ترجیح داده شده و طبرسی همین قرائت را در بخش تفسیر و تبیین آیه لحاظ کرده است. (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۶۱)

فرعون که می‌گوید: *قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ* (اعراف/۱۱۴ و شعراء/۴۲)، بهوضوح پاسخ به یک پرسش است، نه تأکید یک خبر. فخر رازی نیز به نقل از واحدی،

قرائت ابوبکر را ترجیح داده، می‌گوید: «واحدی گوید: استفهام در این آیه مناسب‌تر است، زیرا اینان می‌خواستند بدانند آیا پاداشی به آن‌ها تعلق می‌گیرد یا خیر؟» (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۴، ص ۱۳۳)

شیخ طوسی در *التیان* و *ابوالفتح رازی* در *روض الجنان* نیز از قول ابوعلی فارسی، روایت ابوبکر شعبه بن عیاش از قرائت عاصم را ترجیح داده‌اند. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده ولی فراء متعرض اختلاف قرائت در این آیه نشده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۲۸۹؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۹۲؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۶۴؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۱۶۱؛ طوسی، بی‌تا، ج ۴ ص ۴۹۸؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۸۱؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۸، ص ۳۳۲؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۳، ص ۶۹۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۴، ص ۳۳۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۱۳۲.

۷. *مَنْ يَصْرِفْ عَنْهُ يُؤْمِنْدِ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذِلِكَ الْفُوزُ الْمُبِينُ* (انعام/۱۶)

شیخ طبرسی در *مجمع البیان* (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۲۸۰)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

—«مَنْ يَصْرِفْ» (با فتح یاء و کسر لام): قرائت حمزه، کسائی، خلف، یعقوب و ابوبکر به روایت از عاصم؛

—«مَنْ يُصْرِفْ» (با رفع یاء و فتح راء): قرائت دیگر قاریان.

طبرسی به نقل از ابوعلی می‌گوید:

«قرائت "منْ يَصْرِفْ" اختیار می‌شود به دلیل این که فعل بعد از آن «فَقَدْ رَحِمَهُ» معلوم بوده و فاعل آن ضمیری است که به «الله» برمی‌گردد و بهتر است که دو فعل اتفاق در اسناد داشته باشند» [یعنی هر دو معلوم باشند و به یک فاعل اسناد شوند]. (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۲۸۰) طبری نیز این قرائت را در *جامع البیان* اختیار می‌کند. وی معتقد است، به دلیل عبارت «فَقَدْ رَحِمَهُ»، بهتر است فعل به صورت معلوم خوانده شود تا میان دو فعل اتفاق در اسناد باشد. برای این که اگر قرائت به صورت مجھول درست باشد باید می‌فرمود: «فقد رحم»؛ بنابراین معلوم بودن «فَقَدْ رَحِمَهُ» دلیل روشن بر معلوم بودن «مَنْ يَصْرِفْ» است (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۷).

ص ۱۰۳). شیخ طوسی نیز همین قرائت را اختیار نموده (طوسی، بی‌تا، التبیان، ج ۴، ص ۹۰)؛ بنابراین در این آیه، روایت ابوبکر از قرائت عاصم بر روایت حفص از قرائت وی ترجیح داده شده، درحالی که نحاس در اعراب القرآن به نقل از سیبویه، قرائت حفص را ترجیح می‌دهد. وی می‌گوید:

«سیبویه معتقد است: اختیار قرائت این آیه «مَنْ يُضْرِفْ» به صورت مجھول است، زیرا به اعتقاد وی هراندازه تقدیر در کلام کمتر باشد، بهتر است». (نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۵) این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده ولی فراء متعرض اختلاف قرائت در این آیه نشده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۲۵۴؛ ابو زرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۴۳؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۲۸۶؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۱۰۳؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۵؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۱۳؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۲، ص ۲۳۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۹۰؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۷، ص ۲۴۶؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۳، ص ۳۱۶؛ اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۴۵۴؛ کلینی، ۱۳۹۱ ق، ص ۸۸؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۴۲۵.

۸. *وَ كَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَ هُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَّا أَكْثُرُ مِنْهُ مَالًا وَ أَغْرُّ نَفَرًا* (کهف/۳۴).

۹. *وَ أَحِيطَ بِثُمَرٍ فَأَصْبَحَ يُقَابِلُ كَفَيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا* (کهف/۴۲).

شیخ طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۶۷)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

- «وَ كَانَ لَهُ ثَمَرٌ...»؛ «أَحِيطَ بِثُمَرٍ» (در هر دو آیه به فتح ثاء و میم): قرائت ابوجعفر، عاصم، یعقوب و سهل؛

- «وَ كَانَ لَهُ ثُمُرٌ...»؛ «أَحِيطَ بِثُمَرٍ» (در هر دو آیه با رفع ثاء و سکون میم): قرائت ابو عمر؛

«وَ كَانَ لَهُ ثُمُرٌ...»؛ «أَحِيطَ بِثُمَرٍ» (در هر دو آیه با رفع ثاء و میم): قرائت دیگر قاریان.

طبرسی به نقل از ابوعلی فارسی و وی از ابو عمر و بن علاء چنین می‌گوید:

"ثُمَّ" و "ثُمَّ" انواع مال است. بنابراین هنگامی که "ثُمَّ" آسیب ببیند، "ثُمَّ" هم داخل آن می‌شود؛ زیرا ممکن نیست اصل آسیب ببیند ولی "ثُمَّ" سالم بماند. لذا طبق این معنا، قرائت "ثُمَّ" و "ثُمَّ" روشن‌تر و سازگارتر از قرائت با فتح است". (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۶۸)

طبری نیز قرائت رفع را ترجیح داده و قرائتی غیر از قرائت عاصم را اختیار نموده است.
(طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵، ص ۱۶۰)

لغویان معتقدند: قرائت با ضم ثاء بر انواع اموال و قرائت با فتح، بر میوه درختان دلالت دارد (ابن منظور، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰۶). فراء صرف‌آ به بیان این وجه لغوی بدون داوری بین آن‌ها پرداخته است (فراء، بی‌تا، ج ۲ ص ۱۴۴). طبعتاً وقتی معنای لغت، ناظر به تمامی اموال یا ناظر به صرف محصول کشاورزی باشد، در مقام تفسیر، آثار مختلفی به همراه خواهد داشت. میزان تعلق فرد به دنیا و دارایی‌های آن در نوع رفتار او اثر خواهد کرد و مشاهده می‌کنیم که چگونه اختلاف قرائت در تفسیر می‌تواند اثربخش باشد. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۹۰؛ ابوذر، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۱۶؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۱۴۲؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵، ص ۱۶۰؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۲۲۳؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۳، ص ۲۸۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۱؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۹۹؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۵، ص ۶۹۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۴۶۳؛ کلینی، ۱۳۹۱ ق، ص ۱۲۵؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۲، ص ۵۲.

۱۰. * حَتَّىٰ إِذَا بَأَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَقْتَهُونَ قَوْلًا* (کهف/۹۳).

شیخ طبرسی در مجمع‌الیان (ج ۳، ص ۴۹۲)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:
-«بَيْنَ السَّدَّيْنِ» (با فتح سین): قرائت اهل کوفه غیر از ابوبکر، ابن کثیر و ابو عمرو؛
-«بَيْنَ السُّدَّيْنِ» (با رفع سین): قرائت نافع، ابن عامر و عاصم به روایت از ابی بکر.
ابوعلی فارسی گوید:

«حفص به روایت از عاصم این کلمه را در همه جای قرآن به فتح سین قرائت نموده و

ابی بکر به روایت از عاصم در همه جای قرآن این کلمه را به رفع سین خوانده است». (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۹۲)

طبرسی به نقل از ابو عبیده می‌گوید:

«در زبان عربی هر چیزی که از قبیل کوه و دره باشد [ساخته خدای تعالیٰ باشد]، "سُدٌ" و آنچه انسان‌ها بنا می‌کنند، "سَدٌ" نام دارد». (همان، طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۸ ص ۱۰۲) کسایی بر این باور است که اختلاف در قرائت این دو واژه به دلیل تفاوت لهجه است و لذا هر دو قرائت به یک معنا هستند. (کسایی، ۱۹۹۸ م، ص ۱۸۹)

طبرسی از ابوعلی فارسی چنین نقل می‌کند:

«"سَدٌ" مصدر "سَدَتْه سَدًا" و "سُدٌ" اسم است؛ مانند اسمائی که میان مصدر و اسم آن‌ها فرق وجود دارد؛ مانند "السِّقَى و السُّقَى، الشِّرَب و الشُّرَب"؛ در این صورت قرائت «يَبْيَنُ السُّدَّيْنِ» در این آیه بهتر است، زیرا به معنای مسدود می‌باشد» (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۹۲)

یعنی اسم جامدی که مفهوم اسم مفعول دارد؛ بنابراین ابوعلی فارسی و به پیروی وی طبرسی، قرائت نافع، ابن عامر و روایت ابویکر شعبه بن عیاش را بر روایت حفص از عاصم ترجیح دادند. اگرچه قرائت دیگر را هم صحیح می‌دانند، طبری هر دو قرائت را مشهور می‌داند و تفاوت معنایی بین دو کلمه را نمی‌پذیرد. (طبری، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۶، ص ۱۳) اثر تفسیری در این اختلاف هم مشاهده می‌شود. به این بیان که اگر قرائت نافع را ملاک قرار دهیم، هر نوع مانع طبیعی مثل کوه را شامل می‌شود، اما اگر قرائت حفص ملاک باشد، صرفاً موانعی را شامل می‌شود که به دست انسان ساخته شده که با توجه به شرایطی که قرآن از قوم موردنظر بیان می‌کند که گویای عدم تمدن خاصی برای آن‌هاست: *لَا يَكُنُونَ يَقَهُونَ قَوْلًا*، «کنایه عن بساطتهم و سذاجة فهمهم» (طباطبایی، ج ۱۳، ص ۳۶۳) نسبت به قرائت نافع مرجوح است. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده ولی فراء معرض اختلاف قرائت در این آیه نشده است:

ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۹۹؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۳۰؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق،
ج ۵، ص ۱۷۱؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۶، ص ۱۳؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۲۳۱، زجاج، ۱۴۲۸،
ق، ج ۳، ص ۳۱۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۶۸۹ دانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۰۰؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق،
ج ۱۳، ص ۳۱؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۳، ص ۶۹۹؛ زمخشّری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۷۴۶؛ فخر
رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۱، ص ۴۹؛ اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۲۲۵؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۲، ص
۸۷۵؛ عکبری، ۱۴۳۱ ق، ج ۲، ص ۸۶۰.

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَخَذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلَيَاءٍ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ فُرُّلَا

(كهف/۱۰۲).

شیخ طبرسی در مجمع‌البيان (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۹۵)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

«أَفَحَسِبُ الَّذِينَ كَفَرُوا» (با سکون سین و رفع باه): روایت ابوبکر از قرائت عاصم به روایت اعشی عبدالحمید ابن صالح بن عجلان برجمی تمیمی؛ ابوصالح کوفی مقری، ثقه،
قرائت را از ابی بکر بن عیاش و ابی یوسف اعشی گرفته است. او در سال ۲۳۰ وفات یافت
(ابن جزری، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۱۵۹) و برجمی (یعقوب بن محمد بن خلیفه ابی یوسف
اعشی تمیمی کوفی، قرائت را از ابوبکر بن عیاش نقل می‌کند. ابوبکر گفته که دو بار قرآن را
نزد من خواند. دانی وی را این گونه توصیف نموده است:

«امام، جلیل، ثقه و ضابط. وی حدود سال ۲۵۸ وفات یافت». (ابن جزری، ۱۴۲۹ ق، ج

۱، ص ۱۸)

و زید به روایت یعقوب است و این قرائت امیرالمؤمنین علی (ع)، ابن یعمر، مجاهد،
عکرمه، قتاده، ضحاک و ابن ابی لیلی نیز هست.

«أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا»: قرائت دیگر قاریان.

طبرسی به نقل از ابن جنی معنای این عبارت را چنین بیان می‌کند:

«ابن جنی گوید: معنای آن، آیا گمان کردند که بندگان را به عنوان اولیا برگزیدن برای آنها سودی دارد؟ بلکه در این صورت افرادی مانند خود را برای عبادت برگزیده‌اند و تمام آنها بندگان و مخلوقات من هستند».

قراء در معانی القرآن، قرائت «أَفَحَسِبُ الَّذِينَ كَفَرُوا» را به امیرالمؤمنین علی (ع) منتب نموده است:

«حدثنا ابوالعباس قال حدثنا محمد قال حدثنا الفراء قال: حدثني محمد بن المفضل الخراساني عن الصلت بن بهرام عن رجل قد سماه عن على أنه قرأ أَفَحَسِبُ الَّذِينَ كَفَرُوا». (قراء، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۱)

طبری نیز این قرائت امیرالمؤمنین (ع) می‌داند. طبرسی به نقل از ابن جنی می‌گوید:

"«أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا»، در معنا مانند قرائت دیگر است. ولی قرائت با سکون سین در ذم بلیغ تر است".

وی گوید:

««أَفْحِسِبُ» (با کسر سین)، در معنا مانند «أَفَحَسِبُ» (با سکون سین) است، غیر از این که قرائت با سکون سین در ذم بلیغتر بوده به این دلیل که معنای این قرائت، نهایت هدف این افراد را بیان می‌کند و قرائت دیگر این‌گونه نیست». (طبرسی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۹۵)

بنابراین طبرسی در این آیه، روایت ابوبکر شعبه بن عیاش را به دلیل بلاعی ترجیح داده است. گفته‌ی است ابوعلی فارسی به چنین اختلاف قرائتی اشاره نکرده است. زمخشری و به پیروی از وی ابوحیان اندلسی نیز قرائت ابوبکر را اختیار نموده‌اند؛ اما طبری در مقام ترجیح، قرائت «أَفْحِسِبُ» را به معنای "آیا گمان نموده‌اند؟" اختیار کرده و دلیل آن را اجماع قاریان بر این قرائت دانسته است. (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۶، ص ۲۶)

در این مورد هم اثر تفسیری اختلاف قرائت واضح است. بیان شدت مذمت عملکرد کافران در معبد دانستن بندگان خدا، بیانگر بار معنایی منفی ویژه برای این نوع عمل است که این شدت در قرائت ابوبکر از عاصم بیان شده و منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نیز هست. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

فراء، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۱؛ اخفش، ج ۲، ص ۴۹۷؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۳۶؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۶، ص ۲۶؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۲۳۱؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۹۷؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۱۳، ص ۴۴؛ زمخشیری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۷۴۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۱، ص ۵۰۱؛ اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۷، ص ۲۳۰؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۳۸۷؛ دمیاطی، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۹۶؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۸۲

۱۲. *رَبَّنَا آتِهِمْ ضِيقَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنَّا كَبِيرًا* (احزاب/۶۸).

شیخ طبرسی در مجمع البیان (ج ۴، ص ۳۷۱)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان

می‌کند:

«لَعْنَّا كَبِيرًا»: قرائت عاصم؛

«لَعْنَّا كَثِيرًا»: قرائت دیگر قاریان.

فراء می‌گوید:

«لَعْنَّا كَثِيرًا» قرائت عامه قاریان است؛ فقط یحیی بن وثاب و عبدالله بن مسعود «لَعْنَّا كَبِيرًا» قرائت کردند. (فراء، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۱)

ولی در منابع دیگری که این قرائات را مطرح نموده‌اند، قرائت «کبیرا» به عاصم نیز منتب است (ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۹۰؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۵۸۰؛ ابن خالویه، ۱۳۹۷ ق ص ۲۹۱). طبرسی با بیان خویش، به خوبی نقش این اختلاف در تفسیر را مشخص می‌کند و می‌گوید:

«ابوعلی فارسی گفته است: در این آیه قرائت «کثیرا» بهتر است؛ زیرا «کبیر» مانند «عظیم» است (دلالت بر اشد لعن دارد)»

و در این آیه مراد تکرار است و قرائت «کبیر» با این منظور سازگاری دارد (برای تکثیر لعنت کنندگان) به معنای این که ایشان به دفعات و مکرراً مورد لعن واقع می‌شوند؛ مانند گفتار خداوند متعال که می‌فرماید: *أُولئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّا عِنْهُمْ* (بقره/۱۵۹)، لذا در این آیه ابوعلی فارسی و به تبع وی طبرسی قرائتی غیر از قرائت عاصم را مناسب می‌داند و آن را ترجیح می‌دهند. طبرسی در قسمت تفسیر کتاب خود، قرائت راجح را در نظر گرفته، گوید:

«و لعنت نما آن‌ها را لعن بزرگی؛ یعنی پی‌درپی و افزون فرما بر ایشان خشمی بر خشمت و غضبی بر غضبت». (طبرسی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۳۷۲)

با توجه به این که طبرسی در تبیین کلمه «کثیرا» فرمود: مرتبه‌ای پس از مرتبه‌ای دیگر و خشمی در پی خشمی دیگر و سخنی پس از سخنی دیگر- یعنی به دفعات و به کرات- این معنا با قرائت «کثیرا» سازگاری دارد، زیرا طبق گفته علمای لغت، «کثیرا» به معنای بزرگ و عظیم و «کثیرا» به معنای تعدد و تکرار است (ابن منظور، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۲۶ و ۱۳۲). ابوذر عه نیز گوید:

"کثیرا" یعنی بسیار و پیاپی و کثرت در اینجا از نظر معنا مناسب‌تر است زیرا آن‌ها را پیاپی لعن می‌کنند".

طبری نیز همین قرائت را ترجیح داده است (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲۲، ص ۳۶). نحاس نیز گفته است: «کثیرا فی هذا اشبه» (نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۲۲۵)؛ اما فراء قرائت با «کثیرا» را جایز نمی‌داند و در کتاب معانی القرآن چنین آمده است: «قرائت "کثیرا" را در این آیه جایز نمی‌دانیم» (فراء، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۱)؛ اما دلیلی برای این نظر خود نیاورده است. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

فراء، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۱؛ ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۹۰؛ ابوذر عه، ۱۴۱۸ ق، ص ۵۸۰؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۴۸۱؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲۲، ص ۳۶؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۲۹۱؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۲۲۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۶۵؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۱۷؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۱۶، ص ۲۳؛ مبیدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۸، ص ۹۰؛ زمخشی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۵۶۲؛ دمیاطی، ۱۴۱۹ ق، ص ۳۵۶؛ کلینی، ۱۳۹۱ ق، ص ۱۵۶. ۱۳. *قُلْ أَرَيْتُمْ مَا تَذَكَّرُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا حَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شَرْلَثٌ فِي السَّمَاوَاتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ* (احقاف/۴).

شیخ طبرسی در مجمع‌البيان (طبرسی، ۱۴۲۶، ج ۵ ص ۸۲)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می‌کند:

«أَوْ أَثَرَةٍ (با سکون ثاء و بدون الف): قرائت علی بن ابی طالب (ع) و ابو عبد‌الرحمان سلمی؛

-«أَوْ أَثْرٍ» (با دو فتحه): قرائت عکرمه و قناده. این قرائت به اعمش و ابن عباس نیز منسوب است (ابن جنی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۲۶۴)؛
«أَوْ أَثَارٍ»: قرائت دیگر قاریان که قرائت مشهور است.

طبرسی به نقل از ابن جنی، قرائت «أَوْ أَثْرٍ» را ترجیح می‌دهد؛ به دلیل این که بر وزن "فَعَلَه" (مصدر مره) است و بر وحدت دلالت دارد؛ مانند گفته عرب که می‌گوید: «إِلَّا تُونِي بُخْرٌ وَاحِدٌ أَوْ حَكَايَهٌ شَادِهٌ». منظور این است که به همین مقدار باوجود این که اندک است، قناعت می‌کنم؛ اما طبری قرائت «أَوْ أَثَارٍ» را اختیار نموده، دلیل آن را اجماع قاریان بر این قرائت می‌داند (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲۶، ص ۳)؛ بنابراین طبرسی به نقل از ابن جنی، قرائت را منسوب به امام علی (ع) را اختیار نموده که با قرائت عاصم متفاوت است و طبری قرائتی را اختیار کرده که عاصم بدان قرائت نموده است. فراء صرفًا به بیان وجود مختلف پرداخته، درباره رجحان داوری نمی‌کند. (فراء، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۰)

اثر تفسیری این اختلاف نیز واضح است. خداوند متعال برای این که نشان دهد شریکی برای او متصور نیست، به یک شاهد علمی در وجود شریک هم قناعت می‌کند و این وحدت شاهد را که بیانگر اطمینان او از بطلان ادعای شریک است، با لفظ «أَثْرٌ» بر وزن فعله بیان می‌کند. طبیعی است که قرائت دیگر فاقد این اثر معنایی است. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده که ابوعلی فارسی به این اختلاف قرائت اشاره‌ای نکرده است:

فراء، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۰؛ طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۲۶، ص ۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۶۸؛
نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۴، ص ۱۰۴؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۴، ص ۴۳۸؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۱،
ص ۲۴۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۲۶۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۸، ص ۴۷؛ اندلسی،
۱۴۲۰ ق، ج ۹، ص ۴۳۲؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۲۶۴؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۱۳۹،
عکبری، ۱۴۳۱ ق، ج ۲، ص ۱۱۵۴.

۱۴. *وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْأَمْرِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا*.
(طلاق ۳).

شیخ طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۳۰۲)، اختلاف قرائت این آیه را چنین بیان می کند:

- بالغ (بدون تنوین) **أمره** (جر بنا بر اضافه): روایت حفص از قرائت عاصم؛
- بالغ (با تنوین) **أمّرة** (با فتح): قرائت دیگر قاریان؛ از جمله ابویکر شعبه بن عیاش از عاصم.

طبرسی به نقل از ابوعلی فارسی می گوید:

«قرائت با تنوین و نصب اسم مابعد «بالغ **أمّرة**» اصل است و حکایت از حال دارد. مراد طبرسی این است که طبق قواعد نحو، زمانی که اسم فاعل، مجرد از "ال" متعددی و به معنای حال یا استقبال باشد، اصل این است که اسم بعد را بنا بر مفعول به منصوب می کند». (عقیلی، بی تا، ج ۳، ص ۷۱؛ شرتونی، ۱۴۲۴ ق، ج ۴، ص ۱۶۶)

لذا در این آیه طبق اصل، قرائت دیگر قاریان و روایت ابویکر شعبه بن عیاش از قرائت عاصم بر روایت حفص از قرائت عاصم، ترجیح داده شده است. فراء در این اختلاف، قرائت حفص را درست می داند:

«القراء جميعاً على التنوين. ولو قرئت: بالغ أمره [على الإضافة] لكان صواباً، ولو قرئ: بالغ أمره بالرفع لجاز». (فراء، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۳)

اما ابو زرعه و ابن خالویه نیز قرائت با تنوین را اصل می دانند. این اختلاف قرائت در منابع ذیل آمده است:

فراء، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۳؛ اخفش، ۱۴۲۳ ق، ج ۲، ص ۶۰۷؛ ابن مجاهد، ۱۴۲۸ ق، ص ۶۳۹؛ ابوزرعه، ۱۴۱۸ ق، ص ۷۱۲؛ ابوعلی فارسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶، ص ۳۰۰؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴ م، ص ۳۴۷؛ نحاس، ۱۴۲۱ ق، ج ۴، ص ۲۹۷؛ زجاج، ۱۴۲۸ ق، ج ۵، ص ۱۸۴؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۸؛ دانی، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۳۴؛ ابوالفتوح، ۱۳۶۶ ق، ج ۱۹، ص ۲۷۱؛ میدی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱۰، ص ۱۴۳؛ زمخشri، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۵۶؛ اندلسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص ۱۹۹؛ ابن جنی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۳۲۴؛ قیسی، ۱۳۹۴ ق، ج ۲، ص ۳۸۴؛ عکبری، ۱۴۳۱ ق، ج ۲، ص ۱۲۲۷.

نتیجه

از مطالب و مباحث مطرح شده چند مطلب نتیجه گرفته می‌شود:

- ۱) عالمان تفسیر و قرائت در ارزیابی قرائت‌های مشهور، بدون تعصب بر قرائتی خاص، با تکیه بر قواعد مشهور ادبی، به تضعیف یا ترجیح قرائت‌ها پرداخته‌اند.
- ۲) مطابق روایت «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ فَنَّرَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْخَتْلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبْلِ الرُّوَاةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۰)، حتی در صورت امکان توجیه وجود مختلف ادبی، بنا بر اصل فصاحت قرآن، وجهی که بر اساس قواعد ارجح است تعین در نزول پیدا می‌کند.
- ۳) در برخی موارد، قرائت شاذ بر سایر قرائات ترجیح داده شده که مؤید دیدگاه عدم ضرورت تمرکز بر قرائت‌های هفت‌گانه مشهور است! به این معنا که شهرت هفت‌قرائت مبنای علمی دقیقی ندارد و غالباً عوامل سیاسی - اجتماعی به این مسئله متنه شده است.
- ۴) در مواردی که قرائت حفص از حیث ادبی خلاف قواعد مشهور ادبیات عرب است، نوعاً به ضرب‌المثل «خویش را تأویل کن نی ذکر را» تمسک می‌شود؛ به این معنا که تنها قرآن معیار سنجش قواعد ادبیات عرب و فصاحت و بلاغت است و نباید در صورت اختلاف، به توجیه قرآن پردازیم. در مورد این نکته باید توجه کنیم که با توجه به اختلاف قرائت موجود، نمی‌توان اختلاف با قاعده مسلم ادبیات را به سادگی نادیده گرفت. نبود نقطه و اعراب در خط کوفی و تدارک آن در مقاطع بعد و وجود اختلاف، شاهد مناسبی است که در صورتی که بتوان قرائتی را همسو با قواعد عرب پیدا کرد، نباید به پذیرش قرائتی اصرار داشت که مخالف آن قاعده است. این نکته با توجه به بررسی صورت گرفته در قرائت حفص به صورت متعدد یافت می‌شود و خود دلیلی بر لزوم اخذ به قرائت اصح در مورد اختلاف است.
- ۵) متعین شدن قرائت بر اساس قواعد عربی، می‌تواند از حیث کلامی هم در آیاتی که محل اختلاف است، به اختلافات فرقین پایان دهد؛ چراکه در رجحان ادبی بر اساس قواعد، اختلافی وجود ندارد و وقتی آیه‌ای از این جهت راجح تشخیص داده شد، لوازم خود اعم از مباحث فقهی و کلامی را هم صاحب رجحان می‌کند - حکم «الامثال فيما يجوز و فيما لا يجوز واحد».

- ۶) تأثیر اختلاف قرائت در مباحث تفسیری در موارد زیادی از این اختلافات انکارناپذیر است که به برخی از آن‌ها اشاره شد.
- ۷) با توجه به مباحث مطرح شده، مناسب است ملاک اولویت انتخاب قرائت در تفسیر، قواعد مسلم عربی باشد نه شهرت قرائت؛ چراکه قطعاً رجحان این قواعد بر شهرت که منطق استواری ندارد و نوعاً اقتضایات سیاسی- اجتماعی منجر به آن شده، بیشتر است.

منابع

قرآن کریم.

ابن حَتَّیٌ، عثمان (۱۴۱۹ ق)، المحتسب فی تبیین وجوه شواد القراءات والإیضاح عنها، به کوشش محمد عبدالقدار عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن خالویه، حسن بن احمد (۱۳۹۷ ق)، الحجۃ فی القراءات السبع، به کوشش عبدالعال سالم مکرم چاپ دوم، بیروت/قاهره: دارالشروع.

ابن خالویه، حسن بن احمد (۱۹۳۴ م)، مختصر فی شواد القرآن، قاهره، بی نا.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن مجاهد، احمد بن موسی (۱۴۲۸ ق)، كتاب السبعة فی القراءات، به کوشش جمال الدین محمد شرف، طنطا: دارالصحابة للتراث.

ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، بیروت، بی نا.

ابو البقاء، عبدالله بن حسین عُکبری (۱۴۳۱ ق)، التبیان فی اعراب القرآن، بیروت: عالم الكتب.

ابوالفتح عثمان بن جنی الموصلي (۱۴۲۰ ق)، المحتسب فی تبیین وجوه شواد القراءات والإیضاح عنها، بغداد: المجلس الأعلى للشئون الإسلامية.

ابوعلی فارسی، حسن بن احمد (۱۴۰۳ ق)، الحجۃ فی علل القراءات السبع، به کوشش علی نجدی ناصف، عبد الحلیم نجّار و عبد الفتاح شلبی، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۳۶۶ ق)، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بی نا.

اخفیش، سعید بن مسعده (۱۴۲۳ ق)، معانی القرآن، به کوشش ابراهیم شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.

اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.

دانی، عثمان بن سعید (۱۴۰۶ ق)، التیسیر فی القراءات السبع، به کوشش اوتو پرترسل، بیروت: دارالکتاب العربي.
دمیاطی، شهاب الدین احمد بن محمد (۱۴۱۹ ق/۱۹۹۸ م)، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعه عشر، بیروت: دارالکتب العلمیه.

زجاج، ابراهیم بن محمد (۱۴۲۸ ق)، معانی القرآن و اعرابه، به کوشش احمد فتحی عبدالرحمان، بیروت: دارالکتب العلمیه.

زمخشري، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق)، الكشاف عن حقائق غواصین التنزيل، بیروت: دارالکتاب العربي.

سجستانی، ابی داود (۱۴۲۳ ق/۲۰۰۲ م)، المصاحف، تحقیق: محمد عبدہ، قاهره: الفاروق الحديثة.

سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۳۱۲ ق)، تفسیر الجلالین، مصر، بی نا.

شرطونی، رشید (۱۴۲۴ ق)، مبادی العربية (قسم النحو) به کوشش حمید محمدی، قم: دارالعلم.

شمس الدین ابوالخیر ابن الجزری، محمد بن محمد بن یوسف (۱۴۲۹ ق)، *النشر فی القراءات العشر*، قاهره: دار الصحابة للتراث.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۶ ق)، *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسوه. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ ق)، *جامع البيان عن تأویل آی القرآن*، تحقیق: صدقی جمیل العطار، بیروت، بی نا. طویسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التیان فی تفسیر القرآن*، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربي.

عبدالرحمان بن محمد، ابو زرعة ابن زنجلة (۱۴۱۸ ق)، *حجۃ القراءات*، بیروت: دارالکتب العلمیہ. عبدالله جمال الدین بن یوسف بن احمد بن عبدالله بن هشام، (۱۴۰۴ ق)، *معنى اللبیب عن کتب الاعاریب*، قم: منشورات مکتبة آیت الله العظمی المرعushi النجفی.

عقیلی، عبدالله بن عقیل (۱۴۰۰ ق)، *شرح ابن عقیل علی الفیه ابن مالک*، قاهره: دارالتراث. علی بن حمزه بن عبدالله الأسدی بالولاء، ابو الحسن الكسانی (۱۴۱۸ ق)، *مشتبهات القرآن*، قاهره: دار قباء. عمرو بن عثمان بن قنبر الحارثی بالولاء، ابو بشر، الملقب سیبویه (۱۴۰۸ ق)، *الكتاب*، قاهره: مکتبة الخانج. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، *مقالات الغیب*، بیروت: مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربي. فراء، یحیی بن زیاد (بی تا)، معانی القرآن، تحقیق: محمد علی نجار، بیروت: دارالسرور. قاضی، عبدالفتاح (۱۴۲۶ ق)، *الدور الزاهرا فی القراءات العشر المتوترة من طریق الشاطئیة و الدرة*، قاهره: دارالسلام. قیسی، مکی بن ابی طالب (ق/ ۱۳۹۴ م)، *الکشف عن وجوه القراءات و عللها و حججها*، تحقیق: محیی الدین رمضان، دمشق: مجمع اللغة العربية.

کاظمی، سید محسن (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «بررسی دلایل تواتر قرائات رایج»، مجله مطالعات قرائت قرآن، شماره ۳. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۹۱ ق)، *الکافی*، ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی، تهران: المکتبة الاسلامیة. مؤدب، سید رضا و سید محمد سجادی (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)، «ارزیابی تواتر قرائات از دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی»، مجله مطالعات قرائت قرآن، شماره ۱۳.

مؤدب، سید رضا و علی رضا محمدی فرد (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «بررسی انگاره تواتر قرائات»، مجله مطالعات قرائت قرآن، شماره ۲.

میبدی، رشید الدین (۱۳۷۱ ش)، *کشف الاسرار و عدّة الابرار*، تهران: امیرکبیر. نحاس، ابو جعفر احمد بن محمد (۱۴۲۱ ق)، *اعراب القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیہ.

References

Holy Quran

- Abu Ali Farsi, H. (1403 AH/3). *Al-Hujjat fi 'ilal al-qara'aat al-sab'*. Compiled by A. Najdi Nasef, A. H. Najjar & A. F. Shalabi. Cairo: Al-Heiat al-Misriyyah al-Aammah li-l Kitab. [In Arabic].
- Abu Zara b. Zanjala, A. R. (1418 AH/1997). *Hujjat al-qara'aat*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].

- Abul Futuh Razi, H. (1366 AH/1987). *Rawd al-jinan wa ruh al-jinan*. Mashhad: n.p. [In Arabic].
- Abul Hasan al-Kasaie, A. (1418 AH/1997). *Mushtahiyat al-Quran*. Cairo: Dar Qaba. [In Arabic].
- Akhfash, S. (1423 AH/2002). *Ma 'ani al-Quran*. Compiled by I. Shamsuddin. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Al-Harithi Basari, U. (Sibawayh). (1408 AH/1988). *Al-Kitab*. Cairo: Maktabat al-Khanij. [In Arabic].
- Andalusi, A. H. M. (1420 AH/1999). *Al-Bahr al-muhit fi al-tafsir*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Aqili, A. (1400 AH/1980). *Sharh ibn Aqil Ali al-Fayh b. Malik*. Cairo: Dar al-Turath. [In Arabic].
- Damyati, S. D. A. (1419 AH/1998). *Ithaf fudala' al-bashar fi al-qara'aat al-arba'aat 'ashar*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Dani, U. (1406 AH/1986). *Al-Tayseer fi al-qara'aat al-sab'*. Compiled by O. Pretzl. Beirut: Dar al-kitab al-Arabi. [In Arabic].
- Fakhr Razi, M. (1420 AH/1999). *Mafatih al-ghayb*. Beirut: Maktab Tahqiq Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Farra, Y. (n.d.). *Ma 'ani al-Quran*. research by M. A. Najjar. Beirut: Dar al-Suroor. [In Arabic].
- Ibn Hashim al-Ansari, A. J. D. (1404 AH/1984). *Mughni al-labib 'an kutub al-a'aareeb*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Arabic].
- Ibn Jazari, S. D. (1429 AH/2008). *Al-Nashr fi al-qara'aat al-'ashar*. Cairo: Dar al-Musahabat li-l Turath. [In Arabic].
- Ibn Jinni, U. (1419 AH/1998). *Al-Muhtasab fi tabyeen wujuh shawwaz al-qara'aat wa al-idah 'anha*. Compiled by M. Abdul Qadir Ata. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Ibn Kathir, I. (1419 AH/1998). *Tafsir al-Quran al-azim*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Ibn Khalwiyah, H. (1387 SH/2008/). *Al-Hujjat fi al-qara'aat al-sab'*. Compiled by A. A. Salim Mukarram, 2nd ed. Cairo: Dar al-Shurooq. [In Arabic].
- Ibn Khalwiyah, H. (1934). *Mukhtasar fi shawwaz al-Quran*. Cairo: n.p. [In Arabic].
- Ibn Manzour, M. (n.p.). *Lisan al-'Arab*. Beirut: n.p. [In Arabic].
- Ibn Mujahid, A. (1428 AH/2007). *Kitab al-sab'ah fi al-qara'aat*. Compiled by J. D. Muhammad Sharaf. Tanta: Dar al-Sahabah li-l Turath. [In Arabic].
- Jinni al-Mowsili, A. F. U. (1420 AH/1999). *Al-Muhtasab fi tabyeen wujuh shawwaz al-qara'aat wa al-idah 'anha*. Baghdad: al-Majlis al-Aala li-l Shuoun al-Islamiyyah. [In Arabic].
- Kazemi, M. (1393 SH/2014). Barrasi-yi dala'il-i tawatur-i qara'aat-i rayij. *Studies of Quran Reading*, 2(3), 75-101. [In Persian].
- Kulayni, M. (1391 AH/2012). *Al-Kafi*. (J. Mustafawi, Trans. & commentary). Tehran: Al-Maktabat al-Islamiyyah. [In Arabic].
- Mabidi, R. D. (1371 SH/1993). *Kashf al-asrar wa 'iddat al-abrar*. Tehran: Amir Kabir. [In Arabic].
- Moaddab, R. Mohammadi Fard, A. R. (1393 SH/2014). Barrasi-yi ingare-yi tawatur-i qara'aat. *Studies of Quran Reading*, 2(2), 9-40. [In Persian].

- Moaddab, R., & Sajjadi, M. (1398 SH/2019). Evaluating the successiveness of (tawatur) of the Quranic qiraat from the viewpoint of Ayatollah Fazel Lankarani. *Studies of Quran Reading*, 7(13), 91-106. [In Persian].
- Nuhas, A. (1421 AH/2000). *I'rab al-Quran*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Qadi, A. F. (1426 AH/2005). *Al-Budur al-zahira fi al-qara'aat al-'ashar al-mutawatirah min tariqay al-Shatibiyah wa la-Durrah*. Cairo: Dar al-Salam. [In Arabic].
- Qaysi, M. (1394 SH/1974). *Al-Kashf 'an wujuh al-qara'aat wa 'ilaliha wa hujaiha*. Research by M. D. Ramadan. Damascus: Majma al-Lughat al-Arabiyyah. [In Arabic].
- Sajistani, A. D. (1423 AH/2002). *Al-Masahif*. Research by M. Abdoh. Cairo: Al-Farouq al-Hadithah. [In Arabic].
- Shartuni, R. (1424 AH/2003). *Mabadi al-'Arabiyyah* (qisam al-nahw). Compiled by H. Muhammadi. Qom: Dra al-Ilm. [In Arabic].
- Suyuti, A. R. (1312 AH/1895). *Tafsir al-Jalalayn*. Egypt: n.p. [In Arabic].
- Tabari, M. (1415 AH/1995). *Jami' al-bayan 'an ta'wil aay al-Quran*. research by S. J. al-Attar. Beirut: n.p. [In Arabic].
- Tabarsi, F. (1426 AH/2005). *Majma' al-bayan fi tafsir al-Quran*. Tehran: Usweh. [In Arabic].
- Tusi, M. (n.p.). *Al-Tibyan fi tafsir al-Quran*. compiled by A. H. Qasir Ameli. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Ukbari, A. B. A. (1431 AH/2010). *Al-Tibyan fi i'rab al-Quran*. Beirut: Aalam al-Kutub. [In Arabic].
- Zajjaj, I. (1428 AH/2007). *Ma 'ani al-Quran wa i'rabihi*. Compiled by A. Fathi Abdul Rahman. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic].
- Zamakhshari, M. (1407 AH/1987). *Al-Kashshaf 'an haqa'iq ghawamid al-tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic].